



University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

Ibn al-Jazari's Scholarly Activities in Khorasan and Transoxiana

Gholamreza Amirkhani¹ ✉ 

1. National Library and Archives of Iran, amirkhani@nlai.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 01 October 2023
Received in revised form: 19
December 2023
Accepted: 03 February
Published online: 19
February 2024

Keywords:
*Hadith Listening,
Herat,
Shams Al-Din Djazri,
Timurid,
Transoxiana.*

ABSTRACT

Abu al-Khayr Shams al-Din al-Jazari, also known as Ibn al-Jazari, was a renowned scholar who gained prominence during the Timurid period. After Timur's victory over the Ottoman Sultan Bayazid in the Battle of Ankara in 805/1402, Ibn al-Jazari moved to Samarkand. Subsequently, he spent two years in Transoxiana before departing for Shiraz following Timur's death. From then until his passing in 833/1429 in Shiraz, he undertook numerous travels, settled in different cities, and authored numerous works. The present research aims to shed light on his life and scholarly activities in the last three decades, focusing on first-hand sources, particularly manuscripts. This research seeks to rectify the oversight in biographies related to Ibn al-Jazari, the findings of this study demonstrate that he revisited Transoxiana and Khorasan at least twice, and his hadith gatherings garnered interest from both political and scholarly figures during the Timurid period.

Cite this article: Amirkhani, Gh. (2024). Ibn al-Jazari's Scholarly Activities in Khorasan and Transoxiana. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 56 (1), 103-121.
DOI: 10.22059/jhic.2024.365828.654437



© The Author(s).

DOI: 10.22059/jhic.2024.365828.654437

Publisher: University of Tehran Press.

تکاپوهای علمی - حدیثی شمس‌الدین محمد جزری در خراسان و ماوراءالنهر

غلامرضا امیرخانی^۱

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران، رایانامه: gamirkhani@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در بین دانشمندانی که تیمور (حک: ۷۷۱-۸۰۷ ق) پس از پیروزی در نبرد آنقره مقابل سلطان بایزید عثمانی در سال ۸۰۵ ق به سمرقند کوچاند، شمس‌الدین محمد جزری مشهورترین آنها به‌شمار می‌آید. این محدث، فقیه و قاری برجسته پس از دو سال اقامت در ماوراءالنهر و بعد از مرگ تیمور، آن دیار را ترک کرد و از طریق خراسان و عراق عجم راهی شیراز شد. از این هنگام تا زمان درگذشتش، که به‌سال ۸۳۳ ق در شیراز بود، ابن جزری سفرهای متعددی کرد و در شهرهای مختلفی سکنی گزید و آثار گوناگونی را نوشت. از این‌رو، در پژوهش حاضر سعی شده با اتکا به منابع دست اول، به‌ویژه نسخه‌های خطی، از زندگی و فعالیت‌های علمی وی در سه دهه اخیر عمرش ابهام‌زدایی شود؛ زیرا در زندگی‌نامه‌های مربوط به ابن جزری، دوران اقامت وی در خراسان و مجالس حدیثی او در شهر هرات مغفول مانده است. نتایج این پژوهش نشان داد، وی دست کم در دو نوبت دیگر، که یک نوبت آن در سال‌های پایانی عمرش بود به‌مناطق ماوراءالنهر و خراسان بازگشته و مجالس استماع حدیث او مورد توجه شخصیت‌های سیاسی و علمی عصر تیموری بوده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰	
کلید واژه‌ها: استماع حدیث، تیموریان، شمس‌الدین جزری، ماوراءالنهر، هرات.	
استناد: امیرخانی، غلامرضا (۱۴۰۲). تکاپوهای علمی - حدیثی شمس‌الدین محمد جزری در خراسان و ماوراءالنهر، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۶ (۱)، ۱۰۳-۱۲۱. DOI: 10.22059/jhic.2024.365828.654437	
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.	
	© نویسندگان. DOI: 10.22059/jhic.2024.365828.654437



مقدمه

در منابع تألیف شده در قرن نهم هجری، شواهدی دال بر توجه و علاقه تیمور گورکانی (۷۳۶-۸۰۷ ق) به علوم دینی وجود دارد. به‌ویژه آنکه، تیمور شخصاً فرمان اعزام دانشمندان بزرگی چون میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی و شمس‌الدین جزری به سمرقند را صادر کرد. اما، دوره شکوفایی علوم دینی و در رأس آن مباحث مرتبط با حدیث در زمان طولانی حکومت شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ق) رخ داد. شاهرخ که از زمان حیات پدرش تیمور بر خراسان حکم می‌راند با رسیدن به تخت سلطنت، این دیار را ترک نکرد و پایتخت تیموریان را از سمرقند به هرات انتقال داد. بنابر آگاهی‌های مندرج در متون تاریخی و غیر تاریخی نگاشته شده در عصر شاهرخ، وی از همان سال‌های آغازین به‌رونتق و آبادانی مرکز حکومت خود اهتمام جدی داشت و آثار و ابنیه متعددی به‌دستور او، همسرش گوهرشاد، فرزندش بایسنغر و برخی از وزرا و امرای تیموری بنا نهاده شد؛ از جمله این آثار، مدرسه و خانقاه معظمی بود که در داخل شهر و در محاذی قلعه اختیارالدین (از آثار دوره آل کرت) ساخته و در سال ۸۱۳ ق با حضور خود شاهرخ افتتاح شد. مدرسه امیر جلال‌الدین فیروزشاه^۱ و مدرسه جلال قائمی^۲ از دیگر مراکز مهمی بود که علوم دینی در آنها تدریس می‌شد. به‌سبب وجود چنین مراکزی بود که طالبان علم از راه‌های دور برای کسب علم عازم هرات می‌شدند (برای نمونه‌هایی از این گروه نک: شماع: ۱۹۹۸، ۱/۴۳۱، ۲/۳۸۷؛ فخرالدین علی صفی، ۱۳۵۶: ۱/۳۴۰).

با درگذشت شاهرخ در سال ۸۵۰ ق، که پس از زیارت مزار حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و مقبره فقیه و محدث بزرگ مذهب حنفی، یعنی محمدبن حسن شیبانی (درگذشت ۱۸۹ ق) در ری به وقوع پیوست، از توجه به علوم دینی، به‌ویژه حدیث کاسته شد؛ اما کماکان میراث عصر شاهرخ بر فضای علمی و حتی سیاسی در خراسان سایه‌گستر بود. آن‌گونه که سلطان احمد فرزند سلطان ابوسعید گورکانی و فرمانروای سمرقند در نامه‌ای که خطاب به برادرش سلطان محمود در حین محاصره سمرقند نوشت، او را به‌استناد «صاحح احادیث»^۳ از حمله به شهر، انذار می‌دهد (شماع: ۱۹۹۸: ۲/۵۲۷).

حدیث و سماع حدیث: در تمدن اسلامی، حدیث جایگاهی رفیع داشته و در بیشتر علوم اسلامی و فرهنگ عمومی مسلمانان نقشی مهم ایفا کرده است. به‌جز، دوره کوتاهی که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) برخی اختلاف نظرها درباره روایت و کتابت آن پیش آمد، نزد همه مذاهب اسلامی روایت حدیث، به دو گونه مکتوب و شفاهی، از همان ابتدا رواج یافت و چندین علم با موضوع حدیث تأسیس

۱. امیر جلال‌الدین فیروزشاه (درگذشت ۸۴۸ ق) از امیران قدرتمند تیموری که مدتی حکومت ابرقو را بر عهده داشت و تقریباً در تمام دوره حکومت شاهرخ از نزدیکان و معتمدان وی بود (معزالانساب: برگ ۱۳۳؛ خواندمیر، ۱۳۹۹: ۹۳۱).

۲. عالم، واعظ و محتسب هرات در عصر شاهرخ که مهم‌ترین اثر وی نصابی شاهرخ‌ی نام دارد (درگذشت ۸۳۸ ق).

۳. منظور احادیث معتبر است.

شد. از مهم‌ترین مفاهیم رایج در علم حدیث، تحمّل حدیث است. این اصطلاح به معنای فراگرفتن و شنیدن حدیث از راه‌های معین بوده و ناظر به پیوستگی میان هر راوی و شیخ در سلسله اسناد حدیث است. در تحمّل، راوی حدیث را از دیگری، که در اصطلاح به او شیخ می‌گویند، به یکی از طرق معتبر در تحمّل حدیث فرا می‌گیرد. تحمّل حدیث به معنای حمل آن نیز است؛ اما علمای حدیث از این جهت اصطلاح تحمّل را بر حمل ترجیح داده‌اند که تحمّل به معنای حمل با مشقت است و از آنجا که حمل حدیث، مستلزم وجوب احتیاط در عدم تداخل حدیث با سخنان دیگر است، خالی از مشقت نیست (معارف، ۱۳۸۰: ۶۸۱). برای روش‌های مختلف تحمّل حدیث، هشت گونه را بر شمرده‌اند که سماع، قرائت و اجازه مشهورترین آنهاست. در نگاه عالمان برجسته شیعه و سنی چون شهید ثانی و سیوطی^۱، متقن‌ترین و نخستین روش همان استماع است که به معنای شنیدن روایت هر شاگرد از استاد خویش به کار می‌رود. در این روش، راوی در حضور استاد و شیخ حدیث خود، روایتی را که استادش خوانده (از حافظه یا از روی نوشته) می‌شنود. اگر در این مرحله، وی گفته‌های شیخ را به کتابت در آورد، به این عمل، املاء اطلاق می‌شود (شهید ثانی، ۱۳۶۸: ۲۳۲؛ سیوطی، ۲۰۰۵: ۱/۴۱۸).

در پژوهش حاضر، حیات علمی و فعالیت‌های حدیثی ابن جزری در جایگاه مقری، محدث و فقیه برجسته در ایران (خراسان و ماوراءالنهر) نیمه نخست قرن نهم هجری به عنوان مسئله اصلی، بحث و بررسی می‌شود. ضرورت این تحقیق بدان سبب است که مطالب منتشره درباره وی، از جمله دو مدخل ابن جزری در *دایره المعارف بزرگ اسلامی* (نوشته احمد پاکتچی) و *دایره المعارف اسلام*^۲ (نوشته محمدبن ابی‌سنب) و همچنین مقدمه‌هایی که در آثار مطبوع وی آورده شده، از این دوره حیات وی آگاهی‌های دقیقی ارائه نکرده‌اند و حیات علمی وی در این مقطع با ابهامات زیادی مواجه بوده است. در پژوهش‌های متأخر، دو مقاله زیر از فاطمه زبار عنیزان قابل ذکر است:

«منهج ابن الجزری فی اقتباس موارد فی کتابه غایة النهایة فی طبقات القراء»، *مجله التراث العلمی العربی*. سنه ۲۰۰۹: عدد ۷.

«المكانة العلمیة فی کتاب غایة النهایة فی طبقات القراء لابن الجزری». *مجله التراث العلمی العربی*. سنه ۲۰۲۳: مجلد ۲۰، عدد ۴.

مؤلف در هر دو مقاله، درباره کتاب *غایة النهایة* ابن جزری بحث کرده است. در مقاله نخست، شیوه استفاده ابن جزری را از مأخذ و منابع پیشینیان بررسی کرده است و در مقاله دوم، عبارات توصیفی کتاب *غایة النهایة* را، که درباره صاحبان تراجم آمده، تحلیل کرده است. با توجه به رویکرد خانم عنیزان در دو

۱ - کلام شهید ثانی: أرفع الطرق الواقعة فی التحمّل، عند جمهور المحدثین. کلام سیوطی: أرفع الأقسام عند الجماهير.

۲ - Encyclopedia of Islam (EI2).

مقاله بالا، درباره ایام حضور و فعالیت‌های ابن جزری در خراسان و ماوراءالنهر بحثی نشده است.

زندگی و شرح احوال شمس‌الدین جزری

در بین عالمان مشهوری که تیمور به سمرقند کوچاند، ابن جزری جزو نام‌آشناترین‌هاست. شمس‌الدین محمدبن محمد جزری دمشقی (۷۵۱-۸۳۳ ق) فقیه، محدث و مقری بزرگ قرن هشتم و نهم هجری در جزیره ابن‌عمر در جنوب شرقی ترکیه امروزی به دنیا آمد. وی که در طلب علم و دانش به مناطق مختلف از جمله مصر مسافرت کرده بود، در سال ۷۹۸ نزد سلطان بایزید عثمانی آمد و مورد تکریم وی قرار گرفت.^۱ با شروع جنگ بین سپاهیان تیمور و سلطان عثمانی و در جریان لشکرکشی تیمور به آناتولی، وی سپاهی را به فرماندهی نوه‌اش محمد سلطان (۷۷۷-۸۰۵ ق) به بوسا گسیل داشت. محمد سلطان که فرزند پسر ارشد تیمور، جهانگیر بود (معزالانساب، برگ ۱۵) پس از فتح بوسا به تعقیب فراریان از شهر پرداخت که به سمت کوه کشیش (امروزه اولوداغ نامیده می‌شود) و دریای مرمره گریخته بودند. در بین این گروه فراری، چند تن از عالمان مشهور عصر از جمله محمد بخاری، شمس‌الدین فناری، شمس‌الدین جزری و پسرش حضور داشتند که به اسارت شاهزاده تیموری درآمدند (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۹۷۳: ۸۵۲). ابن جزری پس از ملاقات با تیمور، عازم ماوراءالنهر شد (سال ۸۰۵ ق) و مدت دو سال در آنجا اقامت داشت. با درگذشت تیمور، وی ماوراءالنهر را ترک کرد و پس از طی مسیری طولانی در سال ۸۰۸ ق، یعنی یک‌سال بعد از مرگ تیمور وارد اصفهان شد (ابن جزری، ۱۹۸۲: ۱/۳۴۱) و پس از مدت کوتاهی به شیراز رفت و در همین شهر در پنجم ربیع‌الاول سال ۸۳۳ ق درگذشت. در منابع مختلف حدود نود عنوان از تألیفات او را بر شمرده‌اند که تعدادی از آن‌ها هنوز چاپ نشده است (مطبع، ۱۹۹۴: ۵۱-۷).

از مهم‌ترین مشایخ او در قرائت و حدیث می‌توان به محمدبن عبدالرحمن بن الصائغ، محمدبن رافع سلامی، عبدالوهاب بن یوسف ابن السلار، عبدالله بن ایدغدی ابن الجندی، ابوالمعالی محمدبن الکیان و محمدبن احمدبن قدامه مقدسی اشاره کرد. در بین استادان او در فقه نیز سراج‌الدین بلقینی و ضیاء‌الدین قزوینی قابل ذکر هستند (پاکتچی، ۱۳۷۴: ۲۳۱). مشهورترین اثر ابن جزری، *النشر فی القراءات العشر* نام دارد که در آن با ذکر قاریان دهگانه جهان اسلام، سلسله راویان و طریق ایشان را به بحث گذاشته است. جامعیت کتاب وی، به‌ویژه در ذکر نحوه رسیدن هر قرائت تا پیامبر (ص) یا صحابه و طرح کتب منسوخ

۱. در پژوهش زیر، اطلاعات مبسوطی درباره ایام حضور ابن جزری در آسیای صغیر و مشاهدات وی از نبرد نیکوپاماس ارائه شده است. نبرد نیکوپاماس در واقع، آخرین جنگ مهم از سلسله جنگ‌های صلیبی بود که بین سپاه عثمانی و ائتلافی از مسیحیان اروپا رخ داد و در نهایت با شکست گروه اخیر خاتمه یافت:

Ilker Evrim Binbaş “A Damascene Eyewitness to the Battle of Nicopolis: Shams al-Dīn Ibn al-Jazarī”. In: *Contact and Conflict in Frankish Greece and the Aegean, 1204–1453, Crusade, Religion and Trade between Latins, Greeks and Turks*. Edited by Nikolaos G. Chrissis and Mike Carr. Burlington: Ashgate, 2014.

قرائت موجب شد، *النشر فی القراءات العشر* تاکنون، بسان دائرة المعارفی معتبر در علم قرائت مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد؛ به گونه‌ای که جامعیت این کتاب تا حد زیادی پژوهشگر را از رجوع به متون قدیمی‌تر بی‌نیاز می‌سازد. ترتیب الفبایی یا موضوعی و سهولت یافتن مطلب مورد نظر و دادن اطلاعات زیاد در حجم کم نیز از جمله ویژگی‌های اثر ابن جزری است (ابن جزری، ۱۳۶۷: ۶-۹).

تلاش ابن جزری برای استماع از بزرگ‌ترین مقریان بلاد اسلامی سبب شد که قرائت او نه تنها به لحاظ تعدد طرق، بلکه از حیث علوم اسناد نیز چشمگیر باشد. وی در زمانی پیش‌تاز علم قرائت گردید که این علم رو به ضعف نهاده بود و برخی تصورها، نظیر مترادف دانستن قرائات سبع با *أحرف سبعه* در حدیث نبوی^۱ و مهجور ماندن کتب قرائت به جز، *التیسیر ابوعمر و دانی، حرز الامانی و وجه التهانی شاطبی (شاطبیه)*، راه تحقیق را در قرائت سد کرده بود. با توجه به کوشش‌های ابن جزری در ابطال این تصورها و مطرح نمودن قرائات غیر سبعه، باید او را بازگرداننده روح تحقیق به کالبد قرائت پس از مدت‌ها رکود دانست (پاکتچی، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

وی در آثار دیگر خود و در شرح حال بزرگان نیز به‌طور موجز و در عباراتی کوتاه به ذکر شخصیت و ویژگی‌های برجسته صاحب ترجمه می‌پردازد. اوصافی که بیشتر از گفته‌های همراهان و شاگردان شخص وام گرفته، اما در مجموع، بیان‌کننده نگاه او به صاحب ترجمه است (عنیزان، ۲۰۲۳: ۲۲-۲۳). آثار حدیثی وی به اهمیت نگاشته‌هایش در علم قرائت نیست، اما از تسلط و دانش عمیق او در علم حدیث حکایت دارد. برجسته‌ترین تألیف ابن جزری در این زمینه، *اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب (ع)* است.

ابن جزری در ماوراءالنهر و خراسان

الف) ماوراءالنهر: از ایام اقامت ابن جزری در ماوراءالنهر و جزئیات آن آگاهی‌های دقیق در متون ارائه نشده، اما از اطلاعات محدود موجود معلوم می‌شود که وی بسیار مورد تکریم و احترام شخص تیمور قرار داشته است. مؤلف *شقائق النعمانية فی عُلَمَاء الدولة العثمانية* نقل کرده که تیمور در مجلس ولیمه‌ای که با حضور بزرگان سمرقند ترتیب داد، در حالی که امرا را در سمت چپ و عالمان را در سمت راست خود نشاند، ابن جزری را بر میرسید شریف جرجانی مقدم داشت و در کنار خود نشاند. وقتی از او علت را پرسیدند، پاسخ داد: چگونه مقدم ندارم کسی را که بر کتاب و سنت آگاه است؟ (شوکانی، ۱۹۹۰: ۲/۲۵۹). همچنین هنگامی که تیمور در اواخر عمر تصمیم به برپایی جشن ازدواج برای نوادگان خود گرفت، مجلس

۱. روایتی منسوب به پیامبر اکرم (ص) که برخی از روایان شیعه و سنی آن را نقل کرده اند؛ از جمله عبدالله بن مسعود: *أنزل القرآن علی سبعة أحرف، لكل حرف منها ظهر و بطن، و لكل حرف حد، و لكل حد مطلع (طبری، ۱۴۲۳: ۱/۲۲)*. قرآن بر هفت حرف نازل شده و برای هر حرفی از آن‌ها ظاهری است و باطنی، و برای هر حرفی حدی و برای هر حدی، پیشگاهی است.

باشکوهی در سمرقند در ربیع‌الاول سال ۸۰۷ ق ترتیب داد. در این مجلس و در حضور بسیاری از بزرگان از جمله سفیر اعزامی ملک فرج، سلطان مصر، خطبه عقد شش تن از نوادگان تیمور را ابن جزری مطابق مذهب حنفی جاری کرد (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۹۷۲: ۹۳۸-۹۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۵۲۸).

از مهم‌ترین کارهای حدیثی که ابن جزری در ایام اقامت در ماوراءالنهر موفق به انجام آن شد، تألیف شرحی بر کتاب *مصاییح السنه بغوی*^۱ بود که در سه مجلد نوشت و بر آن *تصحیح المصاییح* نام نهاد (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۲/۱۶۹۹). از این‌روست که اهل علم ماوراءالنهر حضور چنین محدث برجسته‌ای را مغتنم دانسته و از او بهره برده باشند. اما از مجالس القا و آموزش حدیث وی در این ایام چندان اطلاعی وجود ندارد. تنها یک مورد در *حبیب‌السیر* آمده که در شرح احوال خواجه علی تبریزی شطرنجی از حافظان بنام قرآن است. وی تمام متن *صحیح بخاری* را نزد ابن جزری قرائت کرد و در علم حدیث مهارت یافت (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۵۵۰).

ابن جزری علاوه بر مقطعی که در زمان حیات تیمور در ماوراءالنهر به سر برده، دست کم یک نوبت دیگر به این منطقه بازگشته که این مسئله در سرگذشت‌نامه‌های وی ذکر نشده است. شاهد این ادعا، نقل مؤلف *رشحات عین‌الحیات* است. وی تصریح دارد که شمس‌الدین جزری در دوره حکومت الغ‌بیگ در سمرقند (حک: ۸۱۲-۸۵۳ ق.)، به تحقیق و تصحیح سند محدثان اشتغال داشته و در همین ایام است که گروهی به صحت احادیث نقل شده از جانب خواجه محمد پارسا^۲، نزد ابن جزری شبهه وارد کردند. از فحوای کلام مؤلف می‌توان حدس زد که این مسئله تحت تأثیر منازعات همیشگی فقیهان و محدثان با اهل تصوف بود که در عصر الغ‌بیگ در ماوراءالنهر به‌طور آشکاری وجود داشت. ابن جزری از الغ‌بیگ درخواست می‌کند، قاصدی به بخارا گسیل شده تا از خواجه پارسا برای حضور در سمرقند دعوت به‌عمل آید. اهمیت و خطیر بودن این دعوت را باید با ملاحظه مقام والای خواجه پارسا در سراسر ماوراءالنهر در نظر گرفت. با آمدن خواجه به مقرر حکومت الغ‌بیگ، مجلسی با حضور وی و خواجه عصام‌الدین^۳، شیخ‌الاسلام سمرقند و ابن جزری و بسیاری از دانشمندان وقت برگزار شد. ابن جزری در اسناد حدیث بیان

۱. از تألیفات ابومحمد حسین بن مسعود بغوی (۴۳۲-۵۱۶ ق.)، مشهور به فراء، از عالمان شافعی مذهب که برگرفته از متون حدیثی پیشینیان، به‌ویژه صحیح مسلم و صحیح بخاری است (حاجی خلیفه، ج ۲، ۱۶۹۸). در این کتاب ۴۹۳۱ حدیث نویی (ص) در قالب ۲۸ کتاب اصلی آورده شده است. وی دو کتاب مهم دیگر با عنوان *الجمع بین الصحیحین و شرح السنه* دارد (معارف، ۱۳۹۶: ص ۱۷۵).
۲. خواجه محمد پارسا (۷۴۹-۸۲۲ ق.) از بزرگترین صوفیان طریقت نقشبندی. مهم‌ترین اثر وی فصل الخطاب نام دارد که در شرح مقامات عرفانی است.

۳. تاریخ تولد و فوت عصام‌الدین معلوم نیست، اما ابن عربشاه از عبدالملک در جایگاه پدر و خواجه عبدالاول در مقام پسر عمومی او یاد کرده (ابن عربشاه، ۱۹۸۶: ۴۶۷). وی سالیان طولانی در سلک عالمان برجسته ماوراءالنهر بوده و به‌نقل مطلع سعدین در سال ۷۷۴ ق جزو علمایی بود که قصد داشتند تیمور را از حمله به خوارزم منصرف سازند (ج ۱، ۴۵۷/۲). تا سال ۸۲۵ ق هم بی‌شک در قید حیات بوده‌ست؛ زیرا در زمرة عالمانی بود که در این سال و در معیت الغ‌بیگ برای دیدار با شاهرخ وارد هرات شدند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ج ۴، ۸۱۱).

شده از جانب خواجه پارسا تشکیک کرد. خواجه پارسا از طرق دیگر، سلسله راویان حدیث را بیان کرد، اما ابن جزری نپذیرفت. در اینجا خواجه پارسا با اشاره به نام مأخذی از مسانید حدیثی، از اعتبار آن پرسید. وقتی با تأیید ابن جزری مواجه شد، رو به شیخ الاسلام سمرقند کرده و در اقدامی، که به گمان مؤلف *رشحات عین الحیات* نشان از کرامات او دارد، مشخصات نسخه‌ای از آن مسند را در کتابخانه شخصی عصام‌الدین با ذکر مکان دقیق و نوع جلد و قطع آن داد و این در حالی بود که خواجه پارسا هیچ‌گاه به کتابخانه شیخ الاسلام سمرقند نرفته بود. فرستاده‌ای که برای آوردن کتاب به کتابخانه خواجه عصام‌الدین گسیل شد، کتاب را در همان مکان و با همان مشخصات یافت و به مجلس آورد (فخرالدین علی صفی، ۱۳۵۶: ۱/۱۰۷). تاریخ دقیق این رخداد هم معلوم نیست، اما می‌دانیم که الغیبیگ از سال ۸۱۲ ق در سمرقند حکومت می‌کرد. خواجه محمد پارسا نیز در سال ۸۲۲ ق درگذشته است. در نتیجه، این واقعه در این دوره ده ساله رخ داده است.

ب. خراسان

بیشترین ابهام درباره زندگی ابن جزری به‌ایام حضور وی در خراسان و شهر هرات مربوط می‌شود. اطلاعاتی هم که از برخی آثار خود ابن جزری به‌دست آمده است، رافع این ابهام نیست و گاه‌شماری دقیق حیات وی در این بازه زمانی را با مشکل روبه‌رو کرده است (Bin Bas, 2014: 163). منابع دست اول عربی نیز به‌سبب تسلط نداشتن بر نگاشته‌های مورخان، نویسندگان و نسخه‌های دوره تیموری هیچ اطلاعاتی درباره ایام اقامت ابن جزری در سرزمین خراسان در اختیار قرار نمی‌دهد. از منابع نزدیک به حیات ابن جزری، سخاوی هم که آگاهی‌های بیشتری از سفرهای طولانی وی ارائه کرده، از ایام حضور وی در خراسان سخن به‌میان نیاورده است. وی تصریح دارد که ابن جزری همراه با تیمور وارد سمرقند شد و پس از مرگ تیمور به شیراز کوچ کرد و به‌مدت طولانی منصب قضاوت در شیراز و دیگر بلاد (احتمالاً اصفهان) به او محول شد. در سال ۸۲۲ ق به‌قصد سفر حج عزیمت کرد، اما به‌سبب گرفتاری در دام راهزنان مجبور شد، سال بعد به‌خانه خدا مشرف شود. سپس راه مصر را در پیش گرفت و در قاهره مورد تکریم سلطان وقت واقع شد. بار دیگر، عزم سفر حج کرد و از آنجا به‌قصد تجارت به‌یمن رفت. در سال ۸۲۸ ق دیگر بار حج گزارد و پس از آن راهی قاهره شد. نوبت دیگر راهی سرزمین ایران شد و از طریق شام و بصره به شیراز بازگشت. در نهایت، در خانه خود واقع در بازار کفش‌دوزان^۱ شیراز در روز جمعه پنجم ربیع‌الاول سال ۸۳۳ ق درگذشت و در مدرسه‌ای که خود بنا نهاده بود، به خاک سپرده شد.

۱. سخاوی مکان خانه او را در سوق الاسکافیین ذکر کرده که مطابق متن شدالازار باید همان بازار کفش‌دوزان در حوالی مسجد عتیق باشد (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۸۵).

(سخاوی، ۱۴۱۱: ۹/۲۵۷). سخاوی در دیگر اثر خود، *التبر المسبوك* اسامی افراد متعددی را آورده که در مجالس حدیث ابن جزری حضور داشته و از او اجازه روایت دریافت کرده اند؛ اما این افراد عموماً به قاهره، شام و برخی سرزمین‌های عربی مربوط بوده و سخاوی سخنی از شاگردان و مستمعان ابن جزری در ماوراءالنهر و خراسان نمی‌آورد (سخاوی، ۲۰۰۲: جلد ۱: ۵۵، ۲۱۷، ۲۴۲، ۲۷۳؛ جلد ۲: ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۸، ۲۰۲، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵).

آنچه در سایر منابع عربی آمده نیز کم و بیش تکرار همین مطالب است. نبود اطلاعات درباره‌ی ایام حضور ابن جزری در خراسان، به منابع جدید عربی نیز راه‌یافته است (برای نمونه: محجوب، ۱۹۹۰: ۱۲/۱۵۸ که مجموعه‌ای از داده‌های مربوط به زندگی ابن جزری را گردآورده است). محمدبن ابی‌شنب هم در مدخل ابن جزری در *دایره‌المعارف/اسلام*، آگاهی‌های افزون‌تری به‌دست نمی‌دهد و بسان بیشتر منابع، فقط اشاره می‌کند که پس از مرگ تیمور از مسیر هرات، یزد و اصفهان وارد شیراز شد. (Ben Cheneb, 1971:753)

در منابع فارسی، نخستین نشانی‌ها از حضور و اقامت ابن جزری در خراسان به‌رخدادی مربوط است که مؤلف *حبیب‌السیر* نقل می‌کند. در این ماجرا از چهار عالم برجسته هرات، یعنی جلال‌الدین یوسف اوبه‌هی، جلال‌الدین یوسف حلاج، نظام‌الدین عبدالرحیم یاراحمد و خواجه ناصرالدین لطف‌الله خواجه عزیزالله؛ یاد شده که با فرمان شاهرخ عهده‌دار تدریس در همان مدرسه‌ای شدند که در سطور پیشین از افتتاح آن در سال ۸۱۳ ق سخن به‌میان آمد. منصب شیخی خانقاه نیز به‌خواجه علاء‌الدین علی چستی تفویض شد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۶-۴/۷). این همان خانقاهی است که عبدالرزاق سمرقندی در سال ۸۷۴ ق منصب شیخی آن را بر عهده داشته است (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۱۳۴).

خواندمیر در ذکر احوال جلال‌الدین یوسف اوبه‌هی به‌شرح جلسه‌ای پرداخته که مدتی پس از افتتاح مدرسه هرات و با حضور دو وزیر با نفوذ شاهرخ، یعنی امیرعلیکه کولتاش و امیر فیروزشاه و همچنین شمس‌الدین جزری تشکیل شد. در این جلسه، بحث علمی میان یکی از استادان و یوسف اوبه‌هی^۱، در می‌گیرد که تأمل در آن به‌ترسیم فضای حاکم بر محافل علمی و دینی خراسان عصر تیموری کمک خواهد کرد. به‌تصریح مؤلف *حبیب‌السیر*، مباحثه علمی درباره‌ی آیه هجده سوره آل عمران^۲ و حواشی سعدالدین تفتازانی بر تفسیر *کشاف* زمخشری بوده است. یوسف اوبه‌هی در مقام دفاع از استادش تفتازانی، شش ایراد را به‌گونه‌ای مستدل پاسخ داده و از حضار می‌خواهد که چهار مورد دیگر را بر همین روش قیاس کنند (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۶-۴/۷). این مناظره نیز به‌لحاظ موضوع مورد بحث، مشابه جلسه‌ای است

۱. جلال‌الدین یوسف اوبه‌هی (متوفی ۸۳۳ ق). عبدالرزاق سمرقندی از مجلس بحثی در سمرقند و در حضور امیر تیمور یاد کرده که میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی در آن شرکت داشته و یوسف اوبه‌هی در آنجا نیز به‌طرفداری استادش تفتازانی مطالبی را بیان کرده است (ج ۲/۴۱۰). وی از مریدان سید قاسم انوار بود.

۲. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ أَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

که در سمرقند و با حضور تیمور بین میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی برگزار شد. در هر دو مجلس، بحث در باره تفسیر کشاف زمخشری بود، هر چند از دو جلسه، نتایج متفاوتی به دست آمد. مناظره سمرقند با برتری کامل شریف جرجانی بر تفتازانی خاتمه یافت؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند این واقعه و اندوه ناشی از آن، در مرگ زود هنگام تفتازانی بی‌تاثیر نبود. در حالی که در مناظره هرات، شاگرد تفتازانی بر طرف مقابل غلبه یافت (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۵۴۷).

ذکر مناظره رخ داده در هرات از آن رو اهمیت دارد که به تصریح خواندمیر، ابن جزری در جلسه فوق حاضر بوده است. تاریخ دقیق این مجلس مشخص نیست^۱، اما از عبارت «بعد از چندگاه از نصب علمای مشارالیه» می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ برپایی جلسه مورد نظر با افتتاح مدرسه در سال ۸۱۳ ق فاصله زمانی زیادی نداشته، در نتیجه ابن جزری در حدود سال‌های ۸۱۳ یا ۸۱۴ ق در هرات به سر می‌برده است. باید توجه داشت که سال ۸۱۳ دقیقاً مقطع آغاز تکاپوهای جدی و آشکار شاهرخ در بسط ارزش‌ها و هنجارهای دینی و مبارزه با برخی آداب مغلولی، نظیر یرغو و توره^۲ بوده (قائنی، برگ الف ۲) و به‌طور طبیعی در این راه به حمایت عالمان دینی حنفی یا شافعی مذهب، نظیر ابن جزری نیاز داشته است. از این تاریخ تا سال ۸۲۱ ق نشانی از حضور ابن جزری در خراسان به دست نیامده، اما بدون شک در این سال، وی در خراسان اقامت داشته است. این مسئله به دو دلیل زیر ثابت می‌شود:

نخست؛ روایت حافظ ابرو از مجلس استماع حدیث ابن جزری در سال ۸۲۱ ق در هرات که همراه با تمجید و احترام بسیار مورخ دربار شاهرخ است (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲۵/۲). باید توجه داشت در این زمان، حافظ ابرو ساکن هرات بوده و روایت او در مقام یک منبع دست اول، اعتبار دو چندانی دارد.

دیگر اینکه؛ در همین سال، جلال قائنی موفق شد متن کتاب حصن/الحصین ابن جزری را نزد مؤلف سماع کند (تصویر ۱) که همین نسخه به‌عنوان نسخه موقت و صحیح مورد توجه کاتبان بعدی بوده است. عبارت:

«تمت هذه النسخة الشريفة النفيسة المسماة بالحصن الحصين على يد أقل العباد جلال بن محمد بن عبيدالله القائني مولداً و النسفي البخاري محتداً و الهروي مكسباً بالمدرسة الجلالية بمحلة روج آباد^۳ من جفرتان من ظواهر هراة في جمادى الآخر سنة احدى و عشرين و ثمانماتة، غفرالله للكاتب و لسائر المسلمين و له الحمد و المنة و على رسوله و آله الصلاة و التحية».

در پایان هر سه نسخه زیر دیده می‌شود:

– نسخه شماره ۱۹۵۳۵ آستان قدس رضوی. مشهد (تصویر ۱).

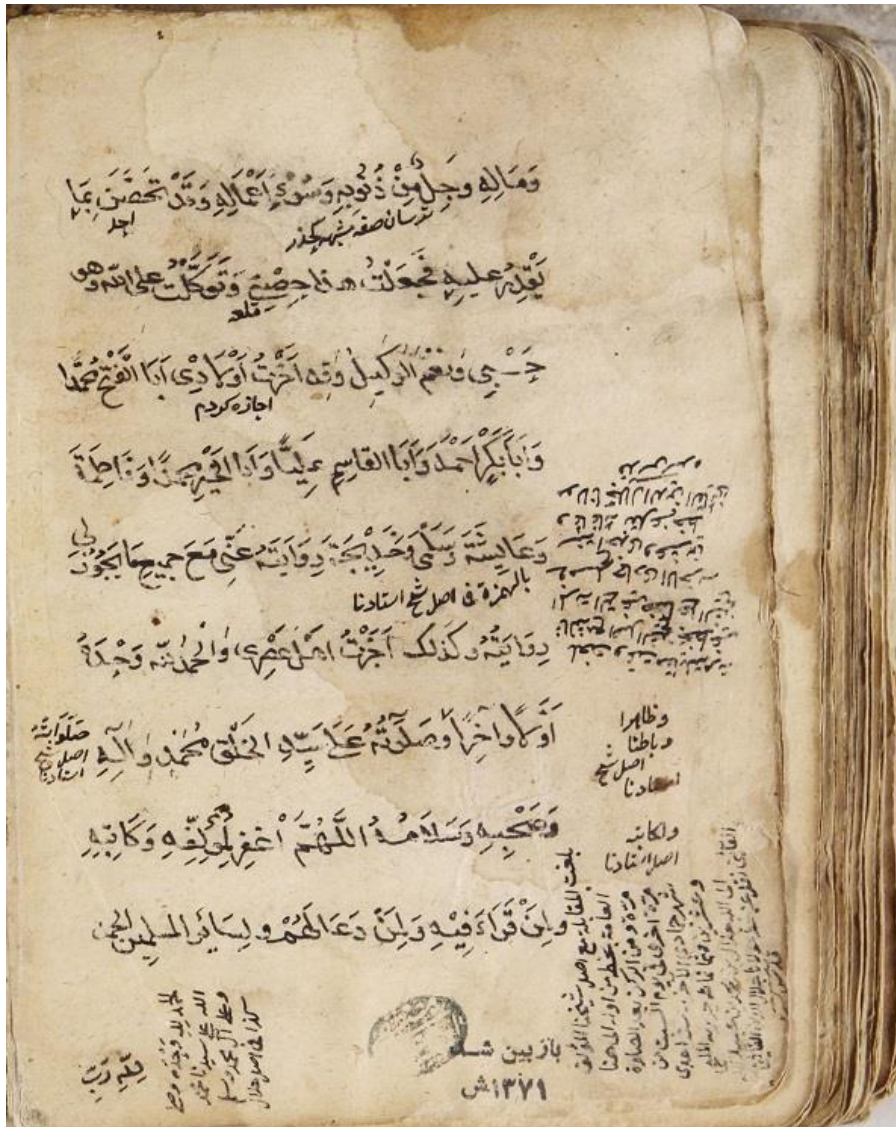
۱. با وجود آنکه حافظ ابرو در زبده التواریخ بایسنغری، به گونه‌ای مبسوط به وقایع سال ۸۱۳ ق پرداخته، اما اشاره‌ای به ساخت و افتتاح مدرسه مزبور و بالتبع مجلس فوق ندارد (۳۶۵-۴۰۱/۳).

۲. دو واژه مناماً که اما به معنای مواخذه و تفتیش و دومی در مفهوم قوانین و رسوم اجدادی به کار رفته است (Doerfer, 1963: 587, 608).

۳. این محله، امروزه به محله ترک‌ها شهرت دارد.

- نسخه شماره ۵۵۵ کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، تهران. این نسخه با نسخه به خط جلال قائنی مقابله و در حاشیه چند صفحه از جمله برگ‌های ۳۹ ب، ۱۱ ب، ۵۵ ب، ۵۸ الف، ۶۲ الف، ۷۱ الف و ۷۲ الف به نام وی اشاره شده است (تصویر ۲).

- نسخه ۱۳۳۹۲/۳ کتابخانه آیت‌الله مرعشی. قم.



تصویر ۱. نسخه حصن الحصین ابن جزری در کتابخانه آستان قدس رضوی (ع). یادداشت بلاغ با نام جلال قائنی در حاشیه صفحه

دیده می شود.

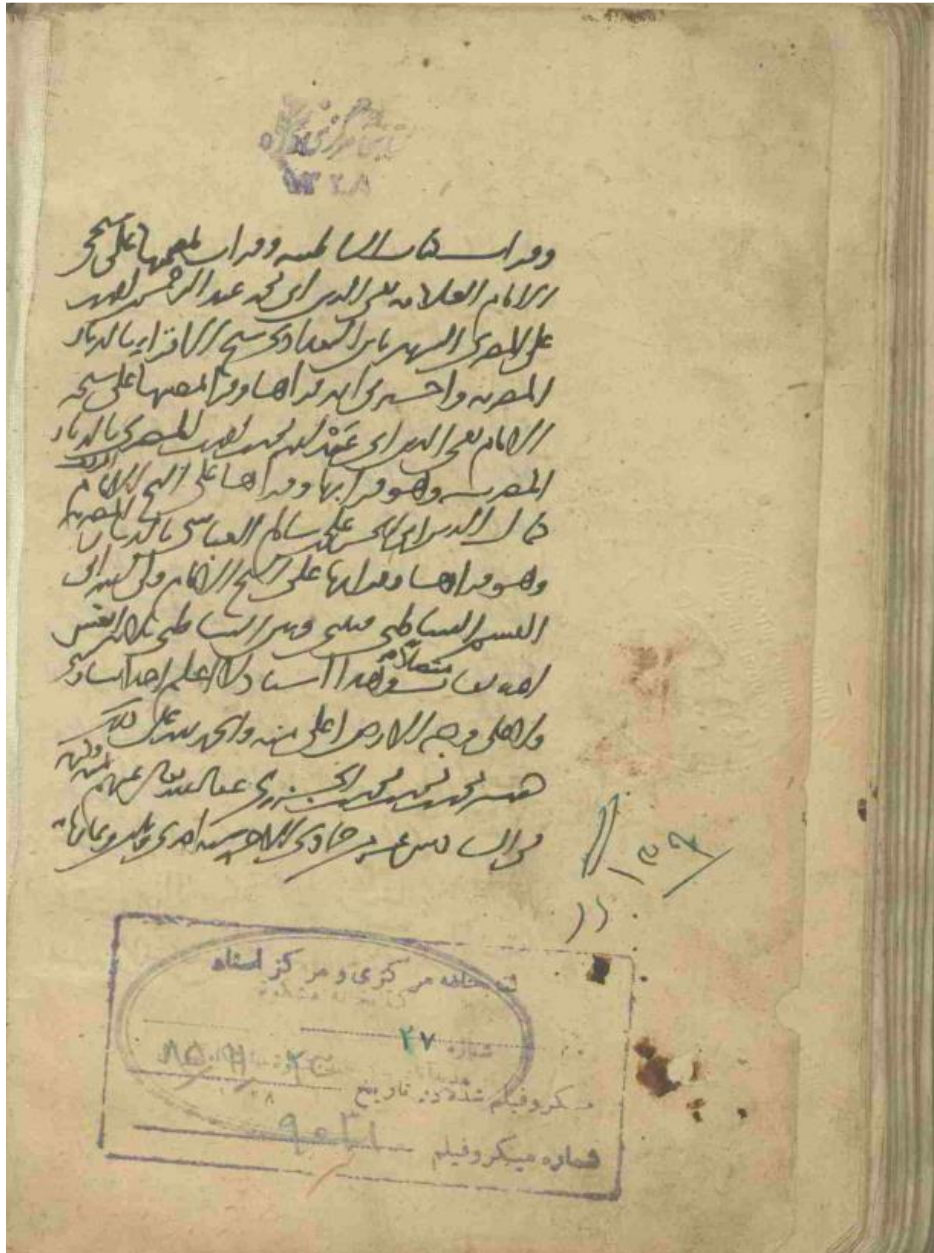


تصویر ۲. نسخه حصن الحصین ابن جزری در کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.

در حبیب‌السیر و در ذیل سرگذشت کوتاهی که از جلال قائنی آمده، از ابن جزری در مقام استاد و شیخ اجازه حدیث وی یاد شده است (خواندمیر، ۱۳، ۱۳۶۲). مؤلف *فرائد غیائی* نیز، متن کامل اجازه روایتی به تاریخ ذی‌الحجه سال ۸۲۲ ق را آورده که جلال قائنی نیابتاً از جانب استادش ابن جزری در تربیت جام صادر کرده است (یوسف اهل، ۱۳۵۶: ۲/۵۵۲).

حضور ابن جزری در دهه بیست‌قرن نهم هجری در خراسان، قرینه دیگری تأیید می‌شود. عبدالرزاق سمرقندی در ذکر وقایع سال ۸۳۳ ق با اشاره به درگذشت ابن جزری تصریح دارد که خود وی، پدر و سه برادرش در مجلس قرائت صحیح بخاری و صحیح مسلم ابن جزری در هرات حضور داشته‌اند و یادآور می‌شود که ابن جزری در هر شهر و ولایت که حضور می‌یافت، مجلس قرائت و سماع صحاح سته برقرار بوده است (ص ۴۱۳). تاریخ این واقعه نیز معلوم نیست، اما از آنجا که عبدالرزاق سمرقندی متولد ۸۱۶ ق بوده (خواندمیر، ۱۱۳۶۲، ۳۳۵)، باید پذیرفت که وی در زمان حضور در مجلس حدیث ابن جزری، دست کم ده ساله بوده و بر این اساس، احتمالاً مجلس مورد اشاره باید پس از سال ۸۲۵ ق برگزار شده باشد.

بنابر یادداشت‌های پایانی نسخه خطی شماره ۳۲۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ابن جزری دو سال قبل از فوتش نیز در هرات بوده است. این نسخه که به کتاب مشهور وی در علم قرائت با عنوان *تجییر التیسیر فی القرائات السبع* اختصاص دارد، محتوی اجازه قرائت صادرشده از جانب مؤلف برای فردی به نام علاء‌الدین علی بن اسماعیل بن علی آزر می و چند تن دیگر، از جمله جلال قائنی و فرزندش به نام نورالدین عبدالجلیل است (منزوی، ۱۳۳۰: ۲۶). این اجازه به تاریخ سیزدهم جمادی‌الآخر ۸۳۱ ق و به خط شخص اجازه گیرنده پس از متن کتاب آورده شده که متأسفانه صفحه ابتدای آن افتاده است. سپس متن اجازه‌دهنده، یعنی ابن جزری، در چهار صفحه و نیم دیده می‌شود که تاریخ آن، سه روز پس از متن پیشین است؛ یعنی شانزدهم جمادی‌الآخر ۸۳۱ ق (تجییر التیسیر: ۱۳۲، ۱۳۷؛ تصویر ۳). کتابت این اجازه به فاصله سه روز از متن قبلی، حکایت از آن دارد که هر دو متن در یک شهر و یا در دو مکان نزدیک به هم کتابت شده، در نتیجه باید گفت که در سال ۸۳۱ ق ابن جزری در هرات یا نواحی اطراف آن به سر می‌برده است.



تصویر ۳. اجازه به خط شمس‌الدین جزری در پایان نسخهٔ تحبیر التیسیر دانشگاه تهران به شماره ۲۲۴

ابن جزری در اصفهان و شیراز

از ایام اقامت ابن جزری در اصفهان داده‌های اندکی به دست آمد. از جمله، مطالبی است که از نامه مفصل صائِن الدین علی بن محمد تُرکه اصفهانی، مشهور به ابن ترکه (۷۷۰-۸۳۵ ق)، عالم مشهور اصفهان در نیم نخست قرن نهم ق، خطاب به بایسنغر میرزا شاهزاده تیموری، مستفاد می‌شود. توضیح اینکه، ابن ترکه در دو نامه که خود بر آنها نفثه‌المصدور نام نهاده، از اوضاع روزگار شکایت و از خود رفع اتهام کرده است. مخاطب نامه نخست، شاهرخ و مخاطب نامه دوم، فرزند او بایسنغر است. نامه اخیر یا نفثه‌المصدور دوم پس از ماجرای سوء قصد به شاهرخ^۱ در مسجد جامع هرات در رمضان سال ۸۳۰ ق نگاشته شده است.^۲ در این نامه، ابن ترکه به آن سبب که گروهی نزد شاهرخ به سعایت از وی پرداخته بودند، از خود دفاع کرده است. او در عین اینکه به مسئله اعتماد شاهرخ به ابن جزری اعتراف دارد، با الفاظی تند، عالم معاصر خویش را مورد حمله قرار داده و بدخواهی وی را عامل اصلی بدبینی پادشاه تیموری به خود بر شمرده است:

«چون ایشان استناد آن سخن را به شیخ محمد جزری کرده بودند، [شاهرخ] ایشان را معذور داشت. چه او [ابن جزری] مردی بزرگ بود، ولیکن از مایه دانشوری به غیر از علم قرائت، حفظ قرآن و شطری از متن احادیث، چیزی دیگر نداشت و چون به عراق آمد و طلیسان^۳ شیدی به سر کشید و در مجالس ملوک همین عربی گفتی، رتبت تقدیمی یافت و جمعی از مشایخ که معتقد فیه ملوک بودند، مصلحت وقت خود را چنان دیدند که در مناصب آنجا او را دخل دهند، لا لحب علی (ع) و چون صاحب منصب شد، در مجالس از شاگردان این فقیر دایم متاذی شدی و شکایت کردی و یکبار حکایت وضع او در مصر یکی از ملوک پرسید از این فقیر و از آنچه آنجا بود، شمه‌ای گفته شد و او را نوع تنزلی از آن وضع کردند. مایه عداوت را از آن گاه باز مخمر خاطر داشت، اما چون در عراق اظهار آن نتوانست، چون بدینجا آمد، وسعت دستگاه ضمیمه جاه داشت، ریزه مرغوبات و تبرکات به اعیان و اعوان ریخته، کوی چند بر سر راه این فقیر کند» (ابن ترکه، ۱۳۵۱: ۲۱۱).

با توجه به تصریح سایر منابع بر اقامت ابن جزری در اصفهان، به طور معمول، منظور ابن ترکه از عراق نیز همان شهر اصفهان است. به ویژه آنکه، بخش‌های مهمی از عراق عجم، مانند قم، تفرش و کاشان از دیرباز مأمن شیعیان بود و طبیعی است که عالمی شافعی و سرشناس بسان ابن جزری در اصفهان که اکثریت اهل تسنن داشت، اقامت گزیند. هر چند از عبارات ابن ترکه معلوم می‌شود که جایگاه و نفوذ کلام

۱. برخلاف نظر مصحح کتاب (ص کخ مقدمه)، آنکه مورد سوء قصد واقع شد، شاهرخ بود نه بایسنغر.

۲. تاریخ ذکر شده در پایان متن رساله چایی، قاعدتاً تاریخ کتابت است؛ چون در سال ۸۳۸ ق نویسنده و مخاطب نامه هر دو فوت کرده بودند.

۳. طلیسان لباس ویژه فقها بوده و در متون فارسی غالباً طاق و طلیسان به عنوان لباس نشان رسمی علمای دین به کار رفته است (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۱: ۳۸۹). شیدی هم به معنای یمنی و منسوب به یمین است. این اصطلاح را مؤلف به کنایه در تقبیح فضل فروشی و عربی‌دانی ابن جزری بیان کرده است.

ابن جزری در اصفهان همانند خراسان و هرات نبوده است. این نامه نیز حاوی نشانه دیگری بر حضور ابن جزری در هرات در اوایل دهه سی قرن نهم هجری است.

پیش تر اشاره شده است که ابن جزری پس از مرگ تیمور و از طریق هرات، تون، یزد و اصفهان، در نهایت در جمادی الثانی سال ۸۰۹ ق وارد شیراز شد و مورد حمایت پیرمحمد، نواده تیمور و فرزند عمر شیخ قرار گرفت. پیرمحمد او را به سیمت قاضی شیراز منصوب کرد (Bin Bas, 2014: 163). اما، همچنان که ذکر شد، اقامت او چندان در این شهر به درازا نکشید و مجدداً به خراسان بازگشت. حضور دوباره وی در شیراز زمانی است که شاهرخ فرزند خود، ابراهیم سلطان را به حکومت فارس منصوب کرد (سال ۸۱۷ ق) و ابن جزری تحت حمایت این شاهزاده فرهنگ دوست و هنرپرور به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد. از جمله کسانی که در این ایام از وی اجازه دریافت کرده‌اند، باید از سید نظام‌الدین احمد حسینی دشتکی شیرازی نام برد که تصریح دارد مکتوباً و ملفوظاً اجازه روایت کتاب *ایجاز‌البیان فی معانی القرآن* اثر محمودبن ابی‌الحسن نیشابوری را از شمس‌الدین جزری اخذ کرده است (بزرغشی شیرازی، ۱۴۰۱: ۶۹). شاید، سابقه شیراز به عنوان شهری که مدارس و مباحث علمی در آن رونق داشت و به درستی لقب دارالعلم یافته بود، در تصمیم ابن جزری بی‌تاثیر نبوده است. از میان ده‌ها مدرسه آباد و فعال، فهرستی از سی باب آنها که تا اواخر قرن هشتم محل تدریس و تعلیم در شهر شیراز به‌شمار می‌رفتند، در اختیار ماست (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۲). آگاهی‌های برجای مانده از شیوه آموزش در این مدارس از جنبه‌های مختلف، از جمله عناوین دروس و منابع مورد تدریس، استادان، دانشجویان و مسائل مرتبط با وقف حاوی نکات ارزشمندی است. از جمله مشاهیری که در مدارس متعدد شیراز به علم‌آموزی مشغول بوده است، باید از احمدبن ابوالخیر زرکوب (متوفی ۷۸۹ ق) مؤلف *سیرازنامه* و از معاصران حافظ نام برد که نزد دایی خود دو کتاب حدیث مهم اهل سنت، *صحیح بخاری* و *مصابیح‌السنه* بغوی را خوانده و اجازه دریافت کرده بود (لیمبرت، ۱۳۸۶: ۱۳۷). نباید از یاد برد که عالم مشهور دیگری در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم به نام میرسید شریف جرجانی (۷۳۱-۸۱۶ ق) در شیراز می‌زیست که او نیز بسان ابن جزری چند سالی به اجبار ساکن سمرقند شد و بلافاصله پس از مرگ تیمور، مجدداً به شیراز بازگشت و سال‌های آخر عمر را در آن دیار به درس و بحث گذراند.

به نظر می‌رسد، رفت و آمد عالمان و هنرمندان بین شیراز و دیگر دربارهای تیموری امری رایج بوده است. نمونه‌ای دیگر از افراد ساکن شیراز، علاءالدین محمدبن عمادالدین هروی، نواده حاجی قوام بود که در نهایت به هرات کوچ کرد. وی که در وبای هرات در سال ۸۳۸ ق درگذشت، به فارسی و عربی شعر می‌سرود و استاد قاریان بود. علاوه بر کتاب *خلاصه التنزیل* که به نظم و در علم قرائت است، دیوان اشعار و مجموعه نامه‌هایی منظوم در قالب مثنوی با عنوان *روضه‌المحبین* دارد که در سال ۷۹۴ ق سروده است (ابن عماد، ۱۳۱۴: ۵). در *تذکره‌الشعرا* هم حکایت جالبی نقل شده است که براساس آن، ابراهیم سلطان چند نوبت از برادرش بایسنغر درخواست می‌کند تا خواجه یوسف اندکانی خواننده مشهور را از هرات به

شیراز اعزام کند. بعد از چند بار امتناع بایسنغر، در نهایت ابراهیم سلطان صد هزار دینار برای راضی کردن برادر فرستاد. این بار بایسنغر با ارسال این بیت سعدی در جواب وی مخالفت خود را اعلام کرد:

ما یوسف خود نمی‌فروشیم تو سیم سیاه خود نگهدار (دولتشاه سمرقندی، ۱۹۰۰: ۳۵۱).

افزون بر این، باید از نقش اهل علم در انجام مأموریت‌ها و وظایف سیاسی و حکومتی یاد کرد. آن‌گونه که در سال ۷۵۴ ق شیخ ابواسحق اینجو، قاضی عضالدین ایچی را به سفارت نزد امیر مبارزالدین محمد حاکم فارس اعزام کرده بود (غنی، ۱۰۰: ۱۳۲۱)، تیمور نیز یکی از فرزندان ابن جزری به نام بدرالدین احمد را به سفارت نزد سلطان مصر فرستاد. وی در سال ۸۰۵ ق و پس از پیروزی‌های درخشان تیمور در سرزمین‌های شام و عثمانی، از طریق دریا عازم بندر اسکندریه شد تا نامه تیمور را خطاب به سلطان فرج، حاکم مصر مبنی بر لزوم خواندن خطبه و ضرب سکه به نام پادشاه گورکانی تسلیم کند (شرف‌الدین علی یزدی، ۱۹۷۲: ۸۵۸). در *ظفرنامه*، نامی از دیگر اعضای هیأت آورده نشده است، اما مؤلف *صبح‌العشی* رئیس هیأت اعزامی را نظام‌الدین مسعود کججانی می‌نویسد که فرزند ابن جزری و کمال‌الدین آغا او را همراهی می‌کرده‌اند (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۱۴/۱۱۸). از اخبار موجود معلوم می‌شود که حاکمان تیموری به ابن جزری و فرزندانش اعتماد ویژه‌ای داشته‌اند. افزون بر مورد ذکر شده، ابن جزری نیز سال‌ها منصب قضای شیراز را برعهده داشت. همچنین سه سال پس از درگذشت ابن جزری، فرزند دیگر وی به نام ناصرالدین ابوالخیر از جانب ابراهیم سلطان به فرماندهی سپاه تیموری در لشکرکشی به خوزستان در سال ۸۳۶ ق منصوب شد (جعفری، ۱۳۹۳: ۷۷).

نتیجه‌گیری

شمس‌الدین محمد جزری در مقام محدث، مقری و مفسر قرآن از سال ۸۰۵ ق، که به همراه تیمور وارد ماوراءالنهر شد تا پایان عمر در سال ۸۳۳ ق، مسافرت‌های متعدد به نقاط مختلف ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی داشته است. به سبب کثرت این سفرها و پراکندگی مطالب در متون مختلف عربی و فارسی، گاه شمار دقیقی از زندگی و مکان‌های اقامت وی در طول سه دهه پایانی عمر وی وجود ندارد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی آثار وی و با بررسی تکاپوهای علمی و مجالس حدیثی وی در ماوراءالنهر و خراسان، نشان داده برخلاف آنچه تاکنون در منابع مختلف درباره این دوره از حیات وی آمده، ابن جزری پس از اقامت اولیه در دهه نخست قرن نهم در ماوراءالنهر و خراسان، دست کم دو نوبت دیگر به این مناطق مراجعت کرده است. از منابع دست اول و نسخ خطی مورد بررسی در پژوهش حاضر معلوم می‌شود که وی حدود سال ۸۱۳ ق و سال‌های ۸۲۱، ۸۲۲ و ۸۳۱ ق در خراسان و هرات حضور داشته و مجالس علمی و آموزش و القای حدیث وی برقرار بوده است. ضمن آنکه رفت و آمد عالمان و دانشمندان بین مراکز و دربارهای مختلف تیموریان در قرن نهم نیز، امری رایج بوده است.

منابع

- ابن ترکه اصفهانی، علی بن محمد (۱۳۵۱). چهارده رساله فارسی. تصحیح سیدعلی موسوی بهبهانی، سید ابراهیم دیباجی. تهران: تقی شریف رضایی.
- ابن ترکه اصفهانی، علی بن محمد (۱۳۶۷). *النشر فی القراءات العشر*. تصحیح علی محمد الضباغ. قاهره: مکتبه التجاریه الكبرى (چاپ افسست: تهران: کتابفروشی جعفری)
- ابن ترکه اصفهانی، علی بن محمد (۱۹۸۲). *غایه النهایه فی طبقات القراء*. تصحیح برگستراسر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جزری، شمس الدین محمد. *تجییر التیسیر*. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. نسخه خطی شماره ۳۳۴.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۱۹۸۶). *عجائب المقدور فی نوائب تیمور*. تحقیق احمد فائز حمصی. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن عماد خراسانی (۱۳۱۴). *روضه المحبین: ده نامه*. تصحیح سعید نفیسی. تهران: مؤسسه خاور.
- یزغشی شیرازی، محب الدین عطالله (۱۴۰۱). *المشیخه البزغشیه*. تصحیح سید محمد طباطبایی (منصور). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۴). *ابن جزری*. دایره المعارف بزرگ اسلامی. جلد ۳.
- جعفر بن محمد (۱۳۹۳). *تاریخ اولاد تیمور از تواریخ ملوک و انبیاء*. تصحیح عباس زریاب خویی. تهران: نشر مورخ.
- جنید شیرازی، جنید بن محمود (۱۳۶۴). *تذکره هزار مزار*. تصحیح عبدالوهاب نورانی وصال. شیراز: کتابخانه احمدی.
- حاجی خلیفه (۱۹۴۱). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، عنی بتصحیحہ و طبعه علی نسخه المؤلف محمد شرف الدین یالتقایا، رفعت بیلگه الکلیسی. بیروت: موسسه التاريخ العربی، [افست از چاپ ۱۹۴۱ استانبول].
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*. به تصحیح سید صادق سجادی. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- حافظ، محمد مطیع (۱۹۹۴). *امام شمس الدین ابن الجزری: فهرس مؤلفاته و من ترجم له*. دوی: مرکز جمعه الماجد للثقافه و التراث.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۹۹). *خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخبار*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب السیر*. به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی. جلد ۴. تهران: خیام.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۲). *فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- دولت شاه سمرقندی، دولت شاه بن بختیشاه (۱۹۰۰). *تذکره الشعرا*. به تصحیح ادوارد براون. لایدن: بریل.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۴۱۱). *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*. بیروت: دار مکتبه الحیاء.
- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۲۰۰۲). *التبر المسبوك فی ذیل السلوک*. تحقیق نجوی مصطفی کامل، لبیبه ابراهیم مصطفی. قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.
- سیوطی، جلال الدین (۲۰۰۵). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی*. تحقیق بدیع السیداللحام. دمشق: دارالکلم الطیب.
- شرف الدین علی یزدی (۱۹۷۲). *ظفرنامه*. تصحیح عصام الدین اورونبايوف. تاشکند: انیسیتوی خاورشناسی ابوریحان بیرونی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۴۰۱). *تازیانه های سلوک: نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنائی*. تهران: آگه.

- شمام، عمر بن احمد (۱۹۹۸). القبس الحاوی لغرر ضوء السخاوی، حققه حسن اسماعیل مروه و خلدون حسن مروه، بیروت: دار صادر.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۶۸). الرعایه فی علم الدرايه. تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۹۹۰). البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع. قاهره: دارالکتاب اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۳). جامع‌البیان عن تاویل آی القرآن المعروف تفسیر الطبری. تحقیق محمد ود شاکر. بیروت: دار ابن حزم؛ اردن: دارالاعلام.
- عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحق (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عنیزان، فاطمه زبار (۲۰۲۳). المکانة العلمية فی کتاب غایة النهایة فی طبقات القراء لابن الجزری. *مجله التراث العلمی العربی*. مجلد ۲۰ (۴)، ۱۵-۳۸.
- غنی، قاسم (۱۳۲۱). بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. تهران: زوار.
- فخرالدین صفی، علی بن حسین (۱۳۵۶). رشحات عین الحیات. به تصحیح علی اصغر معینیان. تهران: بنیاد نوریانی.
- قائمی، جلال بن محمد. نصاب شاهرخی. کتابخانه ملی اتریش، نسخه خطی شماره AF112.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۷). صبح الاعشی فی صناعة الانشا. شرح و علق علیه و قابل نصوصه محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- لیمبرت، جان (۱۳۸۶). تاریخ شیراز در عصر حافظ: شکوه و جلال یک شهر ایرانی در سده‌های میانه. ترجمه محمد اسماعیل فلزی. تهران: زوار.
- محبوب، فاطمه (۱۹۹۰). الموسوعه الذهبیه للعلوم الاسلامیه. قاهره: دارالغد العربی.
- معارف، مجید (۱۳۸۰). تحمّل حدیث. دانشنامه جهان اسلام. جلد ۶.
- معارف، مجید (۱۳۹۶). جوامع حدیثی اهل سنت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی: دانشگاه قرآن و حدیث.
- معزالانساب. کتابخانه ملی فرانسه. نسخه خطی شماره ۶۷.
- منزوی، علینقی (۱۳۳۰). فهرست کتابخانه اهدایی سید محمد مشکوه به کتابخانه دانشگاه تهران. ۱ جلد: کتب راجع به قرآن و دعا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یوسف اهل، جلال الدین (۱۳۵۶). فرائد غیائی. به تصحیح حشمت مؤید. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

